

ماهنامه تخصصی سبک‌شناسی نظم و نثر فارسی (بهار ادب)  
علمی<sup>۱</sup>  
سال سیزدهم - شماره دوازدهم - اسفند ۱۳۹۹ - شماره پیاپی ۵۸

بررسی و تحلیل اشعار «عمادی شهریاری» (غزنوی) از منظر سبک‌شناسی  
(ص ۲۴۱-۲۲۳)

حبیب صفرزاده<sup>۲</sup>

تاریخ دریافت مقاله: خرداد ۹۹ تاریخ پذیرش قطعی مقاله: شهریور ۹۹

#### چکیده:

قرن ششم در تاریخ ادبیات ایران دوره مهمی محسوب میشود؛ زیرا این عصر، مصادف با دگرگونی و تغییر سبک شعر فارسی از خراسانی به عراقی و پیدایش سبکی موصوف به «سبک بینابین» است. «عمادی شهریاری» از شاعران اواخر قرن ششم هجری است. این شاعر به طور کلی پیرو سبک خراسانی است و اغلب مختصات این سبک در اشعار او نمود یافته است؛ اما نشانه‌هایی از سبک بینابین نیز در سروده‌هایش دیده میشود. در این مقاله که به روش کتابخانه‌ای انجام شده است، ویژگیهای سبکی اشعار وی، در سه سطح فکری، زبانی و ادبی بررسی شده است. نتایج تحقیق نشان میدهد که عمادی شهریاری از نظر سبک‌شناسی جزء شعرای پیرو سبک خراسانی است ولی در اشعار وی مواردی از ویژگیهای شعر قرن ششم (بیشتر به لحاظ زبانی و فکری) دیده میشود که احتمالاً مربوط به تغییر محل سکونت وی از مازندران به عراق باشد.

**کلمات کلیدی:** سبک‌شناسی، سبک خراسانی، سبک بینابین، شعر قرن ششم، عمادی شهریاری

---

۱- تمام مجلات علمی پژوهشی کشور از ابتدای سال ۹۸ به دستور وزارت علوم به مجلات علمی تغییر نام داده‌اند.

۲- عضو هیات علمی و استادیار گروه زبان و ادبیات فارسی دانشگاه فرهنگیان  
(Safarzadeh\_h22@yahoo.com)

## Study and analysis of "Emadi Shahriari" (Ghaznavi) poems from a stylistic perspective

Habib Safarzadeh<sup>1</sup>

### Abstract:

The sixth century is an important period in the history of Iranian literature; Because this era coincides with the transformation of Persian poetry from Khorasani to Iraqi and the emergence of a style called "intermediate style". "Emadi Shahriari" is one of the poets of the late sixth century AH. This poet is generally a follower of Khorasani style and most of the characteristics of this style are reflected in his poems; But there are also signs of an intermediate style in his poems. In this article, which has been done in a library method, the stylistic features of his poems have been studied at three levels: intellectual, linguistic and literary. The results show that Emadi Shahriari is one of the poets following the Khorasani style in terms of style, but in his poems there are some features of the sixth century poetry (mostly linguistically and intellectually) that are probably related to the change of his residence from Mazandaran to Iraq.

**Keywords:** stylistics, Khorasani style, intermediate style, sixth century poetry, Emadi Shahriari

---

1-Faculty Member and Assistant Professor, Department of Persian Language and Literature, Farhangian University  
(Safarzadeh\_h22@yahoo.com)

## ۱- بیان مساله

قرن ششم یکی از پربارترین دوران تکامل ادبی ایران به حساب می‌آید، چراکه در این قرن، معروفترین مثنویهای عاشقانه پدید آمد، شعر عرفانی و صوفیانه به دست عطار راه کمال را پیمود، معروفترین رباعیات زبان فارسی به همت خیام سروده شد و... از سوی دیگر قرن ششم، حلقه اتصال سبک خراسانی به سبک عراقی است. در این دوره علاوه بر سبک‌هایی مانند سبک شاعران آذربایجان که واجد نشانه‌های خاص خویش است و سبکی مستقل به شمار می‌آید، سبکی بینابین نیز پدید آمد و به مقتضای تازه‌جویی و نوآوری و تنوع‌طلبی که ذاتی انسان است، شاعران رفته‌رفته درصدد تغییر سبک شعر برآمدند و شعر فارسی را به راهی تازه سوق دادند و پایه‌های سبکی که پس از ایشان تکامل یافت و به سبک عراقی معروف شد را بنیاد نهادند.

در قرن ششم شاعرانی بودند که هنوز به سبک قدیم شعر می‌گفتند. هرچند در شعر آنان میتوان تحولاتی را نسبت به سبک قدیم ملاحظه کرد اما کلاً چهارچوب بیان آنها همان اسلوب دوره غزنوی است. یکی از این شاعران که متاسفانه جامعه ادبی ایران به او کمتر پرداخته‌اند، امیر ابومحمد عمادی شهریاری (غزنوی) از شاعران اواخر سده ششم هجری است که در زمان خود از شهرت بسیاری برخوردار بوده است و ذکر احوال او در بسیاری از تذکره‌ها آمده است.

اشعار عمادی را میتوان به دو دسته تقسیم کرد که به دوران زندگی او نیز مربوط میشود: اشعاری که در آن امرای باوندی مازندران را مدح گفته که دوره نخست زندگی او را شامل میشود. ۲- اشعاری که در آن امرای سلجوقی را مدح گفته است که مربوط به زمان پس از هجرت او از مازندران به عراق است. بنابراین این فرضیه ایجاد میشود که اشعاری که در آنها ویژگیهای سبک خراسانی دیده میشود، متعلق به زمان سکونت وی در دربار باوندیان و اشعاری که در آن رگه‌هایی از سبک بینابین دیده میشود، متعلق به زمان سکونت وی در دربار امرای سلجوقی عراق است. در این مقاله که به روش کتابخانه‌ای انجام شده است، ویژگیهای سبکی اشعار وی، در سه سطح فکری، زبانی و ادبی بررسی شده است.

### ۱-۱- روش تحقیق

روش تحقیق در این پژوهش توصیفی و تحلیلی است و اشعار عمادی شهریاری در قالبهای مختلف در سه سطح زبانی، ادبی و فکری تحلیل سبکی شده است.

### ۱-۲- پیشینه تحقیق

با جستجو در منابع اطلاعاتی مشخص شد تاکنون مقاله‌ای که به بررسی سبک‌شناسی اشعار عمادی شهریاری پرداخته باشد، وجود ندارد و تنها: سهیل یاری گل‌دره، در

مقالات: «بررسی اشعار نویافته عمادی شهریار» (۱۳۹۲) و «پژوهشی در اشعار عمادی» (۱۳۹۲) علاوه بر ضرورت تصحیح مجدد دیوان عمادی، اشعار جدیدی از وی را معرفی کرده است. امامی، نصرالله و زهرا نصیری و مجید دادفر (۱۳۹۵) در مقاله «ضرورت تصحیح مجدد دیوان عمادی شهریار» به کاستیهای چاپ حاضر از دیوان وی اشاره کرده‌اند. وفایی، محمد افشین (۱۳۹۳) در مقاله «نگاهی تازه به زندگی عمادی غزنوی» (به همراه معرفی منابع نویافته از اشعار او) نیز برخی از اشعار عمادی را در تذکره‌ها و منابع مختلف معرفی کرده‌است. با وجود اطمینان بر کاستیهای چاپ حاضر از دیوان عمادی شهریار، داده‌های این مقاله بر اساس همین چاپ صورت گرفته‌است.

## ۲- معرفی عمادی شهریار

«ملک الشعراء، استاد الاثمه، مولانا حکیم امیر عمادی شهریار» یا «عمادالدین غزنوی» متخلص به «سلطانی» و «شهریار»، پسر «عثمان مختاری» در شهریار از بلوکات ری دیده به جهان گشود و در دو دوره مختلف، سلاطین و امرای باوندی مازندران و سلجوقی عراق را خدمت کرد و مدح گفت. ظاهراً مدتی در غزنین ساکن بوده است از این رو وی را غزنوی نیز گفته‌اند. وی در سال ۵۷۳ دیده از جهان فروبست و در مولد خویش به خاک سپرده شد.

از تاریخ ولادت او اطلاعی در دست نیست و تنها میتوان گفت که در اواخر قرن پنجم به دنیا آمده است. رضا قلی خان هدایت در مجمع الفصحا (مجمع الفصحا، هدایت: ج ۲: ۸۹۹) و آذر بیگدلی در آتشکده آذر (آتشکده آذر، آذر بیگدلی: ۳۵۱) او را پسر مختاری غزنوی معرفی میکنند. وی در جوانی در خدمت عمادالدوله فرامرز شهریار از ملوک آل باوند بوده و بعد از مرگ وی راهی عراق عجم شده است.

عوفی در لباب الالباب او را «استاد الاثمه عمادالدین الغزنوی» مینامد و وی را اهل غزنه دانسته است. (لباب الالباب، عوفی، ج ۲: ۲۵۷) اما اکثر تذکره نویسان وی را اهل شهریار از توابع ری دانسته‌اند و به همین سبب وی را «عمادی شهریار» نامیده‌اند. البته برخی نیز این دو را از هم تفکیک کرده و قائل به دو عمادی شده‌اند. (هفت اقلیم، رازی: ۱۱۷۱) نفیسی درباره لقب وی مینویسد: «لقب او از عمادالدوله فرامرز شاه مازندران گرفته شده است.» (تاریخ نظم و نثر در ایران و در زبان فارسی، نفیسی، ج ۱: ۸۲) فروزانفر تغییر لقب عمادی را به علت مهاجرت از مازندران به عراق میدانند: «علت شهرت عمادی بدین لقب چنانکه از اصدور مستفاد و قرائن نیز بر صحت آن موجود است، آن بوده که وی در آغاز به مدح عمادالدوله شهریار مازندران پرداخته و این تخلص یا نام از لقب ممدوح خود گرفته است. بعضی از تذکره‌نویسان، عمادی را شهریار نیز نوشته و در سبب شهرت وی بدان عنوان گفته‌اند که اصلش از شهریار ری و شهرت او به شهریار از باب انتساب او به

مولد خویش است و این سخن بدان تایید میشود که عمادی در ری و مازندران می‌زیسته و آغاز شهرت او در عراق اتفاق افتاده. ( سخن و سخنوران، فروزانفر: ۵۱۸ )  
 راوندی در راحه الصدور، اشعار وی را در کنار اشعار انوری، بلفرج رونی و فردوسی به عنوان معیار فصاحت و بلاغت قرار میدهد. ( راحه الصدور ، راوندی: ۵۷-۵۸ ) تخلص او «عمادی» است و گویا در مقطعی تخلص «سلطانی» را اختیار کرده بوده است. ( سخن و سخنوران، فروزانفر: ۵۱۷ )

لقبم داده‌اند سلطانی / چون عمادی چرا چنین خوارم (ص ۹۱)  
 جاودان مان که فر عشق تو بود / که عمادی شده‌ست سلطانی (ص ۱۰۹)  
 برخی تذکره نویسان، وی را مداح عمادالدوله دیلمی دانسته‌اند و این غلط اشتباه ناشی از شباهت نام عمادالدوله فرامرز شهریار مازندران با عمادالدوله دیلمی ناشی شده است.

## ۲- بحث و بررسی

### ۲-۱- سطح زبانی :

زبان یکی از مهمترین عناصر شعر است. چنانکه برخی از نظریه‌پردازان ادبی، حقیقت شعر را جز زبان و یا رفتار با زبان نمیدانند. مقصود فرمالیستهای روسی از شعر فقط همان زبان است و نیز عناصری که زبان را هویت بخشیده‌اند.

\***موسیقی بیرونی: وزن:** موسیقی شعر در درجه اول، در هیئت وزن ظهور میکند. « وزن نوعی تناسب است. تناسب کیفیتی است حاصل از ادراک وحدتی در میان اجزای متعدد. تناسب اگر در مکان واقع شود آن را قرینه میخوانند و اگر در زمان واقع شود وزن خوانده میشود. ( وزن و قافیه شعر فارسی، وحیدیان کامیار: ۳ ) عمادی شهریار در اشعارش از ۹ بحر استفاده کرده است که بحور، هزج، خفیف، مضارع بسامد بیشتری نسبت به دیگر بحور دارند. علاقه عمادی به اوزان تند و رقص آور زیاد نیست و بیشتر اشعارش را در اوزان ملایم و سنگین سروده است.

### جدول اوزان مورد استفاده در اشعار عمادی شهریار

نام بحر	هزج	خفیف	مضارع	رمل	مجتث	منسرح	مقارب	رجز	سریع
قصاید	۱۲	۷	۷	۴	۵	۳	۱	-	۱
غزل	۹	۹	۳	۱	۲	۳	-	-	-
قطعات	۹	۱۰	۱۰	۴	۳	-	۲	۲	-
رباعیات	۲۴	-	-	-	-	-	-	-	-
اشعار پراکنده	۱۰	۷	۲	۳	۱	۲			۱
مجموع	۶۴	۳۳	۲۰	۱۲	۱۱	۸	۳	۲	۲

\***موسیقی کناری: قافیه و ردیف:** قافیه تنها یک آرایش شعری نیست، بلکه دارای اهمیت زیادی است. از جمله آهنگ و موسیقی شعر را تکمیل میکند و به زیبایی آن

میافزاید و گوشنواز و شادی‌آور است و نظم و ترتیب به شعر میدهد و اجزای آن را متناسب مینماید و به حافظه کمک میکند. (وزن و قافیه شعر فارسی، وحیدیان کامیار: ۹۲-۹۳) در اشعار عمادی بسامد قافیه اسمی بیشتر از انواع دیگر قوافی است.

در عصر سلجوقی، قصیده از سادگی به سمت تصنع و تکلف سیر میکند و شاعران برای عرض هنر، به انتخاب ردیفهای اسمی و فعلی دشوار میپردازند و بیرون آمدن از مضایق اینگونه اشعار مردف را نشان قدرت طبع خویش می‌شمرند. «یکی از ویژگیهای سبکی در شعر قرن شش، وجود ردیفهای دشوار در شعر شاعران این دوره است. (کلیات سبک‌شناسی، شمیسا: ۱۸۲) اما در شعر عمادی مطلقاً ردیف دشوار وجود ندارد و به سبک شاعران سبک خراسانی به طور طبیعی از ردیف استفاده کرده است و بسامد ردیف فعلی نسبت به اسمی در اشعار او بیشتر است.

#### جدول ردیفهای مورد استفاده در قالبهای شعری

نوع قالب	تعداد	تعداد اشعار مردف	ردیف فعلی	ردیف اسمی
قصاید	۴۰	۱۷	۱۶	۱
غزلیات	۲۷	۱۷	۱۷	-
قطعات	۱۲	۹	۷	۲
رباعیات	۲۴	۱۵	۱۱	۴
ترکیب بند	۲	۲	۱	۱
اشعار پراکنده	۲۶	۱۴	۱۴	-

\***موسیقی درونی:** این قلمرو موسیقی شعر، مهمترین قلمرو موسیقی است که استواری و انسجام جمال‌شناسی بسیاری از شاهکارهای ادبی در همین نوع از موسیقی نهفته است.

\***تجنیس:** جناسهای زاید، لاحق و تام بسامد بیشتری در اشعار عمادی دارند: **تام:** کف-کف (۵۴)، بیت-بیت (۶۳) بار-بار (۷۳)، نار-نار (۷۸) طاق-طاق (۱۰۰) و... **مذیل:** نام-نامه (۱۱۶)، باد-باده (۱۱۸) و... **زاید:** نمودار-دار (۸۳)، آز-نیاز (۸۸)، اثر-اثر (۸۸)، حرم-حرام (۸۹)، ناز-نیاز (۱۲۱) / **لاحق** وفا-جفا (۸۶) تار-مار (۸۶) دهان-جهان (۸۸) و... **خط:** مصحف: قضا-فضا (۷۱) زیر-زبر (۱۳۹) و... **لفظ:** سعد-صعد (۷۲)، سورت-صورت (۷۷) و... / اشتقاق: جمیل-جمال (۷۰) بیع-بیاع (۹۵) سوز-سوزد (۱۱۷)، **شبه اشتقاق:** کاه-کوه (۹۷)، مور-مار (۹۷) زمین-زمان (۱۰۵)، **ناقص** (حرکتی): شکر-شکر (۱۴۱) بد-بد (۹۰) **قلب:** ثنا-ثانی (۱۱۰) لطف-طفل (۱۱۵)،

مکنت-تمکین (۱۴۶) ننگه- گنه (۱۵۲)، / مرکب: شهریار- شهر و یار (۹۷)، کارزار- کار زار (۹۷)، / مطرف: یاد- یار (۶۵)، بهای-بهار (۱۲۵)  
**\*موازنه:** موازنه یکی از ابزار مرسوم شعرسازی مخصوصاً در سبک خراسانی و قصیده‌پردازی است (نگاهی تازه به بدیع، شمیسا: ۴۲) در اشعار عمادی، موازنه از بسامد زیادی برخوردار است.

سرمایه اول زمان داد / اقبال تو آخر الزمان را (۵۳)  
تیر از خم کمان، صدف سینه برگشاد / روح از نف سنان، ورق عمر درشکست (۵۴)  
بر تن هیچ کس از عدل تو بیداد نرفت / بر دل هیچ کس از طبع تو ازار مباد (۵۷)  
ای مهر تو فال سوره فخر / وی کین تو خال صورت عار (۷۷)  
مدد گسسته ندارد ز آب و خاک و خرد / نظر بریده ندارد ز جان و دل دادار (۸۰)  
در لعل تو شرط عمر مضمر / در جزع تو شرح فتنه و غم (۹۲)  
آنجا که جز جمال تو بینند اکممم / و آنجا که جز مدیح تو خوانند الکنم (۹۵)  
کاهیم و سکون کوه می‌خواهیم / موریم و هلاک مار داریم (۹۷)  
بی وفق مراد تو نیوید / لیلی به جنیبت نو بهاری (۱۰۶)  
عشق تو آورد راه، جستن بی هم‌رهی / وصل تو آورد رسم، کشتن بی داوری (۱۰۸)  
صعبست بی تو کارم، ضعفست روزگارم / صعبت سرگذشتم، صعبت داستانم (۱۲۰)  
**\*تکرار:** «اگر صامت یا مصوت یا واژه و یا بیشتر از واژه‌ای را در کلام تکرار کنند، می‌گویند از صنعت تکرار استفاده شده که از این نظر تکرار بر موسیقی کلام میافزاید و ارزش لفظی فراوان دارد و اگر تکرار واژه باشد، دارای ارزش معنوی است، زیرا نوعی تاکید در کلام است. (زیور سخن در بدیع فارسی، صادقان: ۱۵۰-۱۵۱) تکرار از شاخصه‌های اصلی اشعار عمادی شهریار است. انواع گوناگون تکرار در شعر وی دیده می‌شود.

**\*تکرار واج: واج آرای:** در یک زبان خاص هر واج به تنهایی می‌تواند واژه یا مفهومی را از واژه یا مفهوم دیگر متمایز سازد. بدین ترتیب واج، بنیادیترین عنصر زبان است... از اینجاست که بسیاری از شاعران، آگاهانه یا ناخودآگاه در اشعار خود برخی واجها را تکرار می‌کنند و با توسل به این شیوه بر زیبایی و موسیقی کلام خود میافزایند. (آوا و القا، مهوش قویمی: ۴)  
عمادی از این آرایه برای ایجاد موسیقی شعر خود به دو شکل هم‌حروفی و هم‌صدایی بهره می‌برد؛ اگرچه میزان هم‌حروفی بر هم‌صدایی غلبه دارد. گاه این هم‌حروفی به تعداد کم و در یک مصراع، دیده می‌شود و گاه به تعداد بیشتر و در کل بیت پراکنده می‌شود و آهنگی را ایجاد می‌کند.

بانگ دهل، کلید سرای هلاک شد / فریاد نای، قفل در گوش کر شکست (۵۴)  
اندر شکسته بسته چه مایه آسایش است / آنرا که از نهیبش سیم‌رغ پر کشید (۵۵)

ذوق رخ عشق تو خسته‌دلان می‌دانند / عشق تو جز به دل خسته سزاوار مباد (۵۶)  
 عیب دشمن از تو ظاهر می‌شود / گر به گرد تو نگر ددگو مگرد (۶۰)  
 ای شاعر جلال تو آثار آگهی / کز من فزون به شعر سخنور نمیرسد (۶۲)  
 گر عاشقی مترس ز آتش بسان شیر / شمشیروار رو سوی آتش نه، شیروار (۷۳)  
 شهد حدیث شاهد خود شهد دان از آنک / قلبست نقد قالب تو همچو روزگار (۷۴)  
 زبان سوسن گفتم سحر چه گوید؟ گفت / ثنای خسرو بسیار بخش کم پندار (۷۷)  
 کس پشت دست دوست نبوسد چون آستین / تا زیر پای خلق نشود چو آستان (۹۸)  
 با خیال لب بتان طراز / طعنه اندر نگین جم زده‌ایم (۱۲۱)  
 نیک باشد که بنده از در شاه / دست در دست شاه داده رود (۱۴۰)  
 زیر شاخ رضا برآمده‌ای / برخور از خود که درخور آمده‌ای (۱۶۴)

#### **\*تکرار واژه:**

من اگر جز به ثنای تو نفس خواهم زد / نفسم هم‌نفس نافه تاتار مباد (۵۶)  
 ترا چنانکه تویی دیده در نمی‌یابد / بصر ز نور تو بر تو ظفر نمی‌یابد (۵۷)  
 از لاف مدعیان تو هیچ لاف / در لاف گرد خاطر مکدر نمی‌رسد (۶۲)  
 با داد تو شهر شهر بیداد / با یاد تو کار، کار خمار (۷۶)  
 بازاری کرد آسمان را / بازار تو در میان بازار (۷۶)  
 بی تو تویی و با تو بود هر چه هست / هر چند وصف ذات تو از این نیک‌تر توان (۹۹)

#### **\*تکرار عبارت و جمله:**

پیش تو در یک مکان رسته شد و رسته شد / قادر از عاجزی، عاجز از قادری (۱۰۸)  
 صعبت بی تو کارم، ضعفست روزگارم / صعبت سرگذشتم، صعبت داستانم (۱۲۰)

#### **\*رد الصدر الی العجز:**

شجر کینه تو جانسوز است / وای قومی که زیر آن شجرتند (۶۶)  
 ذوالفقار شو که دست جهاد علی عشق / برنده‌تر ز فقر ندیده‌ست ذوالفقار (۷۴)  
 یار می‌جویم و نمی‌یابم / در جهان چیست کیمیا جز یار (۸۴)  
 محضر بخت توست، ملک جهان پیش تو / پیش تو مغرور باد، بخت از این محضر (۸۹)  
 پیرهن از بهر چه پوشی که هست / نور تو بر پیرهن پیرهن (۱۰۱)  
 ای خوشتر از جوانی در بند تست جانم / بخشایش از بر من کاخر چو تو جوانم (۱۲۰)  
**\*طرد و عکس:** شایسته استخوان به سگ و سگ به استخوان (۹۸) صد کس را یک  
 کری، یک کس را صد کری (۱۰۸) قادری از عاجزی، عاجزی از قادری (۱۰۸)

**\*سبک‌شناسی واژه‌ها:** مهمترین بخش زبان که در سبک‌شناسی مورد توجه قرار می‌گیرد کلمه است. هم به لحاظ صورت و هم به لحاظ معنی. کلمه، واحد تجزیه و تحلیل‌های سبکی



و مطالعات بلاغی است. اولمان میگوید: گزینشهای آوایی و جمله‌ای محدود است، اما گزینش واژگانی غیر محدود است و بدین ترتیب در بررسی سبک فردی کارآمدتر است. (کلیات سبک‌شناسی، شمیسا: ۱۴۶)

**\*واژگان ترکی:** ورود لغت ترکی، یکی از ویژگیهای سبک بینابین است «قرن پنجم و ششم دوره تسلط و نفوذ و ورود ترکان زردپوست آسیای مرکزی در ایران است. از نتایج مستقیم تسلط قبایل و غلامان ترک و تشکیل دولتهای آنان در ایران یکی انتشار اصطلاحات نظامی و اجتماعی و اداری آنان و دیگری رواج بعضی از مفردات لهجات ترکی و شیوع اسامی ترکان در این سرزمین است. (تاریخ ادبیات در ایران، صفا: ۱۹۶) اما لغات ترکی، در اشعار عمادی بسامد بسیار نادری دارد: بغرا (۵۵)، یرلغ (۶۵)

**\*واژگان عربی:** علاوه بر سیر و رشد طبیعی زبان فارسی که خود میتواند عاملی نسبی بر افزایش واژه‌های عربی باشد، باید توجه داشت که این قرن، عصر عربی‌مآبی نیز هست. سلیقه ادبای این دوره نیز بر فضل‌فروشی و عربی‌مداری است و این خود سبب می‌آید که شاعران بسیاری از واژه‌ها و ترکیبات و عبارات عربی را که ممکن است ثقیل و مهجور هم باشد در شعر خود به کار ببرند. (سبک‌شناسی شعر فارسی از رودکی تا شاملو، غلامرضایی: ۹۸-۹۹) برخی لغات و ترکیبات عربی در اشعار عمادی وجود دارد اما این مقدار به لحظ بسامد قابل مقایسه با اشعار شاعران قرن ششم نیست. گرایش به ساده‌گویی و تمایل به روانی کلام که خود از ویژگیهای سبک خراسانی است، موجب شده واژگان دشوار عربی در دیوانش به ندرت دیده شود. اکثر این کلمات در قصاید و به ویژه در قافیه آنها به کار رفته است. از جمله: اکحل (۵۵)، یعلم الله (۶۸)، قد قامت القیامه، منتخب الدور (۷۳)، کلبتین، قحف (۷۴)، صوم و صلوه، منتقم و مستغاث (۷۵)، علو و سفل (۸۰)، خلیع العذار (۸۲)، مجاهز (۸۷)، مقصر (۸۸)، قسیم الدول (۱۰۵)، معجم (۹۳)، سلم، اکمه و الکن (۹۵)، و ...

**\*واژگان قدیم:** عمادی به لحظ آشنایی با آثار گذشتگان و استفاده از عناصری که میتواند علاوه بر غنای لغوی موجب اصالت و ریشه‌دار شدن اشعارش شود، رونق خاصی به سروده‌هایش بخشیده است. تکیه عمادی بر برخی لغات کهن، علاوه بر آنکه سبب توفیق بیشتر او در بیان تجربه‌های شاعرانه و لحظات عاطفی پدید آمده در ذهنش شده؛ به تنوع و گوناگونی لغوی اشعارش نیز کمک کرده است: ناموس (۵۳)، باره، سترگ (۵۵)، شکردن، بادبیزن (۶۷)، درمنه (۶۸)، مگر: همانا (۷۰)، گندنا، آشنا (۷۱) شنگرف (۷۳)، قحف (۷۴)، شدیار، گردر (۷۸)، لخلخه (۸۰)، طیلسان، شنبلید (۸۱)، سوفار (۸۶)، نهنبن (۹۴)، چونانک (۱۰۰)، زرفین (۱۰۳)، جنیبت (۱۰۶) و ...

**\*افعال کهن:** می‌شکرنند (۶۷)، بگشلاند (۶۹)، نگسرم (۹۲)، یارستن (۱۰۵ و ۱۰۶) و (۹۵)، دانستن: توانستن (۸۴ و ۸۵)، دانستن: شناختن (۱۰۶ و ۱۰۳) و ..

\* **ترکیبات:** در اشعار عمادی، ترکیبات نو دیده نمیشود و غالب ترکیبات شعری در دیوان او تقلیدی از اشعار متقدم هستند: دیوسار، روان‌بخش (۶۴) دلسوزگی (۸۰)، رنگین سخن (۸۲) و...

\* **نحو و دستور زبان:** «یکی از مشخصه‌های بارز زبان یک شاعر، رویکرد بسیار ماهرانه‌ی وی در کاربرد ساختار نحوی گذشته و تجدید حیات آنها در شعر خویش است. شعر موفق با استفاده از سنتهای نحوی گذشته به جای ساختار نحوی امروزه سبب عادت ستیزی کلام خویش میگردد. گسترش و تنوع امکانات زبانی در حوزه‌ی نحو از برجسته‌ترین عوامل استحکام و تشخیص زبان شاعر است. (فرهنگ توصیفی نقد و نظریه‌های ادبی، مدرسی: ۵۶)

\* **کاربرد انواع «را»:** دوش گفتم ترا غلام توام (۱۱۵)، ای عقل تو داده نور جان را (۵۳)، شرزه اقبال را شکار برآمد (۶۴)، شمشیر ترا سخن فراوان (۶۵)، من ترا بندهام ترا ننگ است (۱۴۸) و...

\* **کاربرد انواع «ی»:** ملکی، خسروی، خداوندی (۶۸) کاشکی کرده بودمی یک عیش (۸۴) از بهر آسمان کمری لعل کردمی / گر زاده دو دیده بماندی به دامنم (۹۴) و...

\* **کاربرد فعل مضارع بدون «ب» و «می»:** عقل چه کوشد چنین که دوست خرامد (۶۳)، چو نام تو گویم از سرشکم / انگشت سخن زنه‌ار گیرد (۶۵)، درو جان فروشند و عشوه‌ی تو خرنند (۶۶)

\* **کاربرد فعل امر مستمر:** گفت من فارغم تو می‌پندار (۸۴) جان می‌ده و حدیث می‌کن (۹۰)، به غمزه کار ایشان راست می‌دار (۱۱۹)، با این همه بوسه می‌ده او را (۱۲۸)، \* **افعال دعایی:** کاربرد ساختار افعال دعایی در سبک خراسانی و عراقی رایج و مرسوم بوده‌است: نعم جواب تو باد، از بخت تا آنگه (۵۳)، خوبی تو جاودان بماناد (۱۲۷) سستی مرساد در پیامت (۱۳۱) و...

\* **صفت و موصوف مقلوب:** در جستن غمگسار یاری (۱۰۶) یارب چه سهمگین قضایبست (۱۲۲)، لعل گرداند این کبود خیام (۱۲۲)، ز جوی دیده، قوی‌تر حشر نمی‌یابد (۵۲)

\* **جابه‌جایی ضمیر (جهش یا پرش ضمیر):** هر لحظه رقیبان حسودش برمانند (۷۰)، از صدهزار طفل که شان رد کند پدر (۵۹) استوارم مدار اگر گویم (۱۰۴)، سیری از من نپرست که چراست (۵۵)، کین تو کردشان چو جزع و صدف (۶۶)،

\* **کاربرد «نه» یا «نی» برای منفی کردن جمله:** که این حدیث نه در خورد ما تواند بود (۷۱)، صلح جدا کن ز جنگ، زانکه نه نیکو بود (۹۴)، تا کی ز بندگی؟ نه کم از سرو سوسنم (۷۱) و...

\***کاربرد «ب» بر سر فعل ماضی**: زنه‌ار مرا به من بمگذار (۷۸)، اندر بنه صد شتر بدیدیم (۹۶)، چون موج فنا بیست عالم (۹۶) جامه ای را که هجران او بدرید (۱۰۴)، تا بخوردی مرا ز هجرانش (۱۰۴) و...

\***فعل امر بدون «ب»**: چو باده خاکساری خود را به دیده جوی (۷۴) بر بالا رفتنم روا بین / خاک سم اسب خویش انگار (۷۸) هر فخر که بینی آن ز خود بین / هر قدر که دانی آن ز خود دان (۱۰۱) قدح بر دست من نه ساقیا زود (۱۱۸)،

\***کاربرد «همی» قبل از فعل ماضی**: همی پرسى که سرمایه چه داری (۸۹)، چو سگ همی دوید و بدان در نمی‌رسد (۶۲)

\***کاربرد «ی» در پایان ماضی ساده**: تا نگشتی رخ سخا پنهان (۱۰۴)، تا بخوردی مرا ز هجرانش (۱۰۴)

## ۲-۲- سطح ادبی

«ادبیات و زبان یک چیزند اما آنچه به زبان ادبیت میبخشد کیفیت کاربردهای بلاغی و صورتهای مجازی زبان است. سبک ادبی، مایه و جوهر خود را از صور استعاری و نظامهای موسیقایی میگیرد. لایه بلاغی سبک، زمینه اصلی تنوع بیان و تبلور فردیت و شخصی‌سازی زبان است. میزان اصالت متن و تازگی یا تقلیدی بودن سبکها را با بررسی استعاره‌های مفهومی و طرح داده‌های تصویری در همین لایه باید سنجید. مطالعات سطح بلاغی زبان، سهم زیادی در سبک‌شناسی ادبی دارند. در ادبات شعری، ادبیت متن و عبور از زبان به ادبیات از رهگذر کاربرد شگردهای بلاغی به ویژه زبان مجازی صورت میگیرد. شگردهای بلاغی و صناعات بدیعی را تمهیدات سبکی نیز مینامند. تمهیدات سبکی هم در آفرینش متن خلاقانه کارآمد هستند و هم به فرایند خوانش و تحلیل متن یاری میرسانند. سبک‌شناسی نظریه‌ها، رویکردها و روشها، فتوحی: ۳۰۳)

\***تشبیه**: تشبیه عنصر بیانی غالب در دیوان عمادی است که به لحاظ بسامد، تنوع و کیفیت بر عناصر بیانی دیگر غلبه محسوسی دارد. البته باید به این نکته اشاره کرد که در کاربرد این صنعت کمتر میتوان خلاقیت فردی شاعر را مشاهده کرد. بیشتر تشبیهات در اشعار عمادی به علت تکرار در شعر پیشینیان خودکار شده‌اند و ارزش ادبی ندارند. تشبیهات اشعار عمادی کمتر نیاز به تفسیر و توضیح دارند و در نتیجه مخاطب نیز برای درک آنها به تکاپوی کمتری وادار میشود و از لذت کشف هنری محروم میماند.

### تشبیه از دیدگاه حسی یا عقلی بودن طرفین:

نوع تشبیه	حسی-حسی	عقلی-حسی	حسی-عقلی	عقلی-عقلی
درصد	۳۵/۳۶٪	۵۷/۵۴٪	۶/۰۴٪	۱/۰۶٪

تشبیهات عمادی به اعتبار طرفین بیشتر عقلی به حسی هستند :

**محسوس به محسوس:** رخسار ما به دست غم تو چو خور شدست / زیرا که دست ما به سوی زر نمی‌رسد (۶۲)

**معقول به محسوس:** عشقت چو شیر می‌دود و جان ما به جهد / چون سگ همی دوید و بدان در نمی‌رسد (۶۲)

**محسوس به معقول:** چون چنین دانم کجا گویم ترا / ای چو عقل از کل مخلوقات فرد (۶۰)

**معقول به معقول:** ای آنکه خلاف تو عدو را / همچون اجل استوار گیرد (۶۱)

تشبیه از دیدگاه وجه شبه و ادات تشبیه:

نوع تشبیه	بلیغ	مجمل	مفصل	مرسل	موکد
درصد	٪۵۱/۵۹	٪۱۰/۴۰	٪۱۱/۰۱	٪۲۳/۳۴	٪۴/۶۳

از جنبه تعدد طرفین و ادات تشبیه نیز، تشبیهات بلیغ و مرسل بیشترین بسامد را دارند. وجه‌شبه‌ها غالب تحقیقی هستند و زمینه‌های شباهت تا حدودی در دو سوی تشبیه دیده میشود.

-تشبیه بلیغ: تو گل ناز منی گر همه خار جگرند / باش با من تو که این رهگذران می‌گذرند (۹۵)

-تشبیه مجمل: چو دیده مور است دل، ای ماه کجایی / بی لعل تو با ملک سلیمان چه توان کرد (۱۲۰)

-تشبیه مفصل: نبری شاد گمانم که چو مینای شراب / گریه‌ها هست در این خنده مستانه ما (۶۱)

-تشبیه مرسل: ای کاش چو پروانه پری دا شته باشم / تا گاه به کویت گذری دا شته باشم (۱۵۹)

-تشبیه موکد: عشق آتش بود و خانه خرابی دارد / پیش آتش دل شمع و پر پروانه یکیست (۷۳)

**اضافه تشبیهی:** شاهین حوادث (۵۳)، صدف سینه، ورق عمر (۵۴) گنج غم، طوق کرم (۵۶)، سپه هجران، جوی دیده (۵۷)، جولانگه بقا، براق حسن، باز عشق (۵۸)، شراب کینه، موج حادثه، بحر آرزو، کشتی انتظار (۶۱)، عروس علم، شراب عشق، چشم‌صلاح، بوستان زهد، عود آه (۶۲)، بقراط مصلحت، نوبهار شرع، باغ اعتقاد، باران شعر، کشت مدح (۶۳).

قلاده مهر، شرزهر اقبال، طوطی جمال، کشتی نیاز، بحر غم (۶۴)، کیمیای عشق (۶۹)، عنکبوت سعادت، خانه نجات (۷۴) حلقه مهر، تف کین (۱۰۳) آتش عشق (۱۱۴) و...

تشبیه به اعتبار مفرد یا مرکب بودن طرفین:

نوع تشبیه	مفرد- مفرد	مفرد- مرکب	مرکب- مفرد	مرکب- مرکب
درصد	٪۷۶/۳۶	٪۱۶/۲۸	٪۴/۱۲	٪۳/۲۴

از نظر ساختمان غلبه با تشبیهات مفرد به مفرد است که تصاویر در آنها تراکم کمتری دارند و زود یاب هستند.

-مفرد به مفرد: لعل تو چو کوه سخت کیسه / جزع تو چو باد سست پیمان (۹۹)

-مفرد به مرکب: چو توان گفت دشمنان ترا .. / که مانند شیشه برابر تبرند (۶۶)

-مرکب به مفرد: مرغی که لب تو چینه اوست / شد چو پرگار، جمله منقار (۷۷)

-مرکب به مرکب: چونانکه عنکبوت لعاب دهن همی تند / خون جگر ز دیده بر همی تنم (۹۴)

تشبیه به اعتبار تعدد طرفین

نوع تشبیه	مفروق	ملفوف	جمع	تسویه
درصد	٪۵/۲۰	٪۴۰/۶۱	٪۴۶/۸۰	٪۷/۳۹

-تشبیه تسویه: در دیده سرشک چیست؟ سیل غم او / جان و دل و دین که اند؟ خیل غم او (۱۵۵)

-تشبیه جمع: ای نرگس تو طبیب و بیمار / وی لاله تو امین و طرار (۷۶)

-تشبیه ملفوف: ای زلف و رخت سپهر و اختر / وی روی و لب بهشت و کوثر (۸۶)

-تشبیه مفروق: دست و رایت چون صبحدم هستند / تا گریبان آسمان بدرند (۶۷)

\*استعاره: عمادی در ذکر استعارات از گذشتگان تقلید میکند و استعاره در دیوان او، مانند تشبیهات برگرفته از امور طبیعت و محیط بیرونی وی است. به طور کل در عصر او استعاره‌ها، بیشتر خلاصه شده تشبیهات هستند و چون تشبیهات در دیوان او غالباً از نوع حسی و مادی هستند، با حذف یکی از ارکان تشبیه، ذهن به راحتی به معنی مقصود رهنمون میشود و به همین خاطر استعاره‌ها زودفهم و تشخیص آنها راحتتر است. انواع مختلف استعاره کم و بیش در اشعار عمادی به چشم میخورد اما شاعر از میان آنها بیش از همه به استعاره مکنیه و پس از آن به استعاره مصرحه مجرده تمایل دارد.

نوع استعاره	استعاره مصرحه	استعاره مکنیه
درصد	٪۳۸/۰۵	٪۶۲/۹۵

در اشعار عمادی، بیشترین کاربرد این آرایه در تغزل قصاید و غزلها دیده میشود، تشبیهها که اغلب گریزی به عالم عشق یا طبیعت دارند، سرشار از استعاره‌هایی هستند که از چارچوبی شناخته‌شده فراتر نرفته‌اند و اغلب تقلیدی هستند و به ندرت ساخته ذهن شاعر محسوب میشوند. اندک تصرفی که عمادی در استعاره نموده، مقید کردن آنها با صفت یا مضاف الیه است، نظیر:

چون وهم تو هیچ کس نیمود / این بام شکسته نردبان را (۵۳)

جز به فرمان تو نتواند نشست / مهره این سیم سیم تخته نرد (۵۹)

وان بیست و چهار زه کمان را / ده خادن تیز پیکر آمد (۶۵)

منگر بدین غزاله گل روی خارپشت / منگر بدین نواله خوش طعم بدگوار (۷۵)

ابیات یادشده نمونه‌ای از تلاش عمادی برای نجات از ورطه ابتدال و تقلید است که تازگی چندانی ندارد. بی روح بودن استعارات و تکراری بودن تصاویر برخاسته از آنها، از عدم موفقیت عمادی در استفاده از این آرایه حکایت میکند.

نوع استعاره	مصرحه مطلقه	مصرحه مرشحه	مصرحه مجردة
درصد	٪۲۸/۲۸	٪۲۳/۱۱	٪۴۸/۶۱

**استعاره مجردة:** عشاق تو ای سرو خرامان، همه چون گل / بر بوی تو ای دوست جامه درانند (۷۰)

**استعاره مرشحه:** مرغ بستان ملائک که جهان دانه اوست / جز به دام سر زلف تو گرفتار مباد (۵۶ ب)

**استعاره مطلقه:** عشق به بازار روزگار برآمد / دمدمه حسن آن نگار برآمد (۶۳ ب)

**استعاره مکنیه**

استعاره مکنیه	غیر اضافی	اضافی
درصد	٪۳۱/۶۱	٪۶۹/۳۹

**غیر اِضافی:** گرز نبرد، حمله به سوی سپهر برد / چون دم مار طرف کلاه و کمر شکست (۵۴)

ماه اگر بر در تو لاف غلامی نزند / پای او را پس از این قوت رفتار مباد (۵۶)

ناهید گاه نطق چو جوزا برون نظم / وقت سخن به طبع رهی برنمی‌رسد (۶۳)

مرا روزگار از غمت چون رهاندی / که سرمایه فتنه روزگاری (ص ۱۰۵)

آسمان را به جای سجده و شکر / خاک فرسای گشت پیشانی (۱۱۰)

فتنه هر جا زند پرو بال / چون بهر در او رسد نیارد (۱۲۹) و...

**اضافی: اضافه استعاری:** گردن جان- پشت امید (۵۶) دامن باد صبا (۵۹)، رخ گل (۶۰)، گردن جان (۷۶)، چنگ غم (۱۰۹)، زلف دین (۱۱۷) عطسه خورشید (۱۱۹)، آستین وجود- دامن عدم (۱۲۱) دماغ گیتی (۱۲۷) دست زمانه (۱۲۸)، زبان دل (۱۹۵)، گیسوی سنبل (۲۰۵)، دیده نرگس (۲۰۵)، سیلی می (۲۰۹)، پشت صبر (۲۴۸) گوش فلک (۳۱۵)، چنگ خامشی (۳۳۶)، رخ زندگانی (۳۴۸)، گوش کر چرخ- روی مهر و ماه (۳۵۸) و...

**\*کنایه:** کنایه از طبیعت‌ترین راه‌های بیان است که در گفتار عامه مردم و امثال و حکم رایج در زبان ایشان فراوان می‌توان یافت و تقسیم‌بندی‌های علمای بلاغت هیچ‌گاه نمی‌تواند جدولی برای حدود آن تعیین کند. جستجو در امثال و نکته‌های رایج در زبان مردم این موضوع را بخوبی روشن می‌کند و در شعر بخصوص در انواع هجو، کنایه، قویترین راه القاء معانی است. (صور خیال در شعر فارسی، شفیع کدکنی، ۱۳۹۱: ۱۴۷) عمادی توجه خاصی به کنایه دارد و به اعتبار مکنی‌عنه، کنایه‌های از نوع فعل و موصوف و از نظر وضوح و خفاف کنایه‌های ایما را بیش از انواع دیگر به کار برده است: خشک لب (۵۳)، دم اندر جگر شکستن (۵۴)، رخت به جایی بردن (۵۶)، مژه در دیده بودن (۵۷)، رخت به جهان دگر بردن (۵۸)، هوس پختن (۶۲)، لب دوختن (۶۶)، جامه دریدن (۷۰)، سبک مغز (۷۱)، کوتاه نظر (۸۲)، سخت کیسه بودن (۹۹)، کم چیزی یا کسی گرفتن (۱۱۷) و...

نوع کنایه	کنایات فعلی	کنایه از صفت	کنایه از موصوف
بسامد	٪۷۱/۱۶	٪۱۶/۵۶	٪۱۳/۴۴

**\*تلمیح:** شاعران سده ششم و هفتم، اشارات و مفهیم اساطیری را برای تفاضل و تفاخر علمی و به منظور نمایش و بیان فضیلت علمی به کار می‌بردند. بارزترین جلوه‌های کاربرد عناصر اساطیری برای ساختن تصویرهای شاعرانه را در دیوانهای شاعران قرن ششم و هفتم می‌بینیم. البته در این عصر اسطوره‌های سامی در شعر فارسی حضور بیشتری دارند تا اسطوره‌های ایرانی (بلاغت تصویر، فتوحی: ۲۸۰) اما بسامد تلمیحات در اشعار عمادی چندان چشمگیر نیست، قصص انبیا و اولیا اعم از اسلامی و غیر اسلامی، اساطیر و داستانهای ملی و شخصیت‌های تاریخی مهمترین عناصر تلمیحات او را تشکیل می‌دهند.

از صد هزار طفل که شان رد کند پدر / سیمرغ زال را به سوی شیان برد (۵۹)  
 آنجا که گشت مجلس قدر تو منعقد / روح الامین به سایه منبر نمی‌رسد (۶۲)  
 کی عجب کز فرز مولود رسول هاشمی / زلزله در خانه نوشین‌روان می‌افکند (۷۰)  
 زخم شمشیر فریدونست کز تایید بخت / نام نیکو بر درفش کاوین می‌افکند (۷۰)  
 یاد ز یال تو کرد، چرخ چو کردند دست / در کمر یکدگر، رستم و اسفندیار (۸۲)  
 چون بود امر از خدای طیر ابابیل را / بر در بیت الحرام پیل شود سنگسار (۸۳)  
 اسلام را وداع مکن در سماع اگر / در فهم تو حبل متین است زلف یار (۸۴)

کفت تو گواه دولت ماست / عیسی به هنر گواه مریم (۹۳)  
 از معجز عنکبوت و کوثر / در دشت امان غار داریم (۹۷)  
 در معرکه گاه فرقت تو / یک نوح نه و هزار طوفان (۹۷)  
 سبحان خالقی که بیاراست از دو حرف / این هفت قبه را به شش روز برکشید (۱۴۱)  
 چو امساک بمعروف نخواهی خواند آن بهتر / که تسریح با حسان به گوش و دل  
 فروخوانی (۱۴۸) و...

### ۲-۳- سطح فکری

بیشتر ویژگیهای فکری در اشعار عمادی، در واقع منبعث از فضای فکری حاکم بر جامعه فرهنگی قرن ششم است که به صورت مضامین ادبی در شعر وی رسوخ کرده است.

موضوعات	مدح	عشق	مرثیه	زهد و اندرز	شکوائیه	توصیف	اصطلاحات علمی
درصد	٪۷۵	٪۱۲	٪۰/۲	٪۷	٪۰/۱۹	٪۳/۸۱	٪۰/۷

\***مدح:** محتوای بیشتر قصاید و قطعات عمادی را مدح سلاطین و امراء باوندی و سلجوقی تشکیل میدهد. پیداست مهمترین انگیزه عمادی در این مدایح، برخورداری از صلات و بخشش ممدوحان برای گذران زندگی و یافتن پناهگاهی مطمئن برای در امان ماندن از افات زمانه بوده است. از میان ممدوحان وی به «سیف‌الدین عمادالدوله بن فرامرز شاه مازندران»<sup>۱</sup> علاقه بیشتری دارد<sup>۲</sup> و این موضوع هم از تعداد قصاید (۱۳ قصیده از ۲۰ قصیده) و هم از لحن و توصیف عمادی در اشعار مشخص میشود.

شمیسا یکی از ویژگیهای فکری قرن ششم را «وفور مبالغه و غلو مخصوصاً در مدح» میدانند. اما در مقایسه با اشعار مدحی شاعرانی چون انوری و خاقانی، اشعار مدحی عمادی بسیار معتدلتر است و جز در چند مورد غلو در آن دیده نمیشود. عمادی در کنار ستایش طبیعی خصایص ممدوحانش چون جنگاوری، سخاوت، عدل و انصاف و ... معمولاً چنانکه شیوه شاعران این عهد است گاهی به اغراق و گزافه‌گویی نیز تمایل دارد.

\***زهد و اندرز (حکمت):** پند و اندرز و حکمت که از اواخر قرن چهارم به مراحل اولی از کمال رسیده‌است، جسته و گریخته در دیوان شاعران قرن ششم دیده میشود، شاید شاعران این عصر به منظور سبک کردن بارگناهی که از مداحی بر دوش وجدانشان سنگینی میکرد به سرودن اشعاری در ستایش اولیای دین و توحید باری تعالی و بیان حکمت و پند و اندرز

۱- قطب الملوك عمادالدوله سيف الدين فرامرز بن فخرالدوله رستم بن حسام الدوله شهریار بن قارن که از پادشاهان سلسله دوم باوندی مازندران بوده و در اواسط قرن ششم می‌زیسته است.

۲- علامه قزوینی در مقاله‌ای مستقل (مقالات قزوینی: ۲۶۵-۲۷۰) و سعید نفیسی در تعلیقات لباب الالباب (لباب الالباب، تعلیقات عوفی: ج ۲: ۷۲۴) ممدوحان عمادی را معرفی کرده‌اند.



می‌پرداخته‌اند. عمادی در جای جای اشعارش مخاطب را به زهد و پرهیزگاری در دنیا دعوت میکند. برخی از قصاید او بطور مستقل در خدمت زهد و اندرز هستند و در برخی قصاید نیز بخش تشبیب مشتمل بر این موضوع است. عمادی موضوع زهد و اندرز را در غزلیات و قطعاتش نیز وارد ساخته است. به نظر میرسد وی در اشعار زهد و حکمی به سنایی غزنوی نظر داشته است به گونه‌ای که علاوه بر پیروی از سبک و سیاق این شعر صاحب سبک، در یک قصیده هم ابیاتی از او را تضمین کرده است. (قصیده ۳۹ ص ۱۰۸) وی از میان عرفای ایرانی به ابوسعید و بایزید اشاره کرده است.

مرغ او بوسعید بوالخیر است / مرد او بایزید بسطامی است (۱۱۶)

\***توصیف:** انواع وصف در اشعار عمادی شامل وصف معشوق، ممدوح، طبیعت و... میشود.  
\* **مرثیه:** در عصر سلجوقی، گویا سرودن مرثیه در هنگام وفات شخصیت‌های بزرگ کشوری امری رایج بوده است. عمادی نیز قصیده‌ای در مرثیه عمادالدوله سروده است.  
\* **شکوائیه:** از مسائل مورد توجه در شعر فارسی قرن ششم، بدبینی شدید شاعران نسبت به جهان و جهانیان است. نابه‌سامانی اوضاع اجتماعی و مشکلاتی که برای مردم این عصر وجود داشته به ناخشنودی عقلا و شاعران و در نتیجه بدبینی آنان نسبت به دنیا انجامیده است. عمادی شهریاری نیز از این بدبینی برکنار نبوده و احساس خود را در قالب شکوائیه‌هایی از دنیا و مردم بروز داده است. شکوائیه در اشعار عمادی شامل، شکایت از عشق و معشوق، شکایت از ممدوح، شکایت از روزگار میشود.

\***اصطلاحات علمی:** عمادی با علوم مختلف آشنایی داشته و در ساخت مضامین شاعرانه از اصطلاحات و مفاهیم علمی چون موسیقی، نجوم، پزشکی و... استفاده کرده است. در این میان بسامد بالای اصطلاحات نجومی در اشعار عمادی یکی از شاخصه‌های سبکی او را تشکیل میدهد. اما عمادی برخلاف شاعران معاصر خویش، در کاربرد لغات و اصطلاحات علمی جانب اعتدال را رعایت میکند و کاربرد این اصطلاحات در اشعارش به گونه‌ای نیست که فهم اشعارش را دشوار سازد.

جز به فرمان تو نتواند نشست / مهره این سیم سیمما تخته نرد (۵۹)

نزد مریض کین تو بقراط مصلحت / بی نسخه طریفل به خنجر نمی‌رسد (۶۳)

آن بهر بدی که هشت رگ را / بر سینه ز چوب نشتر آمد (۶۵)

نه عجب گر چه سنگ چغانه زند / این عجب‌تر که بز شکار کند (۶۷)

زیرا کاندنر نوی مدحت / برداشته بود بس فرودار (۷۹)

تا چند ناخنه ارد به چشم، روز دل افروز را / جوشن ناخن‌نمای، در کف خون و غبار (۸۲)

طب جوشن ز خون تازه سازد / بیماری مرگ را مزور (۸۷)

ثابتم نام میر بار شناس / سر اعدای اوست سیارم (۹۱)

سهمش بخرد ز مشتری سعد / مهرش ببرد ز آسمان خم (۹۳)  
دانی که نباشد ای جهانسوز / جای تننا دهان تنین (۱۰۲)  
مطرب تو زهره باد گرچه به بزم / زهره به ابریشم چغانه نیرزد (۱۱۷)  
چو شد ز سنبله شاه سپهر در شاهین / کنار باغ تهی شد ز لاله و نسرين (۱۲۲)  
چون چهره برفروزی و آواز برگشته / نبود زمانه زهره و خورشید را قران (۱۲۲)  
شاه انجم با عروس ارغنون زن در جواب / خدمت بزم چو غلمان و حواری کرده‌اند (۱۳۹)

### نتیجه‌گیری

عمادی شهریار (غزنوی) اگرچه در قرن ششم زندگی میکند ولی از شاعران پیرو سبک خراسانی محسوب میشود. هنر عمادی در سطح آوایی زبان چشمگیر و دلنواز است. او با تکرار متنوع واجها و واژگان و کاربرد انواع مختلف جناس، موازنه و تکرار رونق خاصی به موسیقی درونی اشعارش بخشیده است. او به اوزان ملایم و ردیف فعلی و قافیۀ اسمی گرایش دارد. زبان عمادی در اشعارش ساده و طبیعی و خالی از تعقید و تکلف است و به آسانی معنای آن دریافت میشود. با توجه به اینکه در دربار خدمت می‌کرده است، گویا تحت تاثیر زبان آنها قرار نگرفته است. در دیوان وی کمتر از تعداد انگشتان دست لغات ترکی دیده میشود و این موضوع نشان‌دهنده اهمیت و توجه او به زبان فارسی است. عمادی از زبان و لغات پرکاربرد و مانوس عربی استفاده کرده و همچنین نیم‌نگاهی به زبان کهن دارد و در برخی ابیات از آنها استفاده کرده است و گهگاه تعبیر و ترکیبات تازه‌ای در دیوان او به چشم می‌خورد. در سطح ادبی، تشبیه خصوصاً اضافه تشبیهی در اشعار عمادی بسامد بیشتری نسبت به دیگر ارکان دارد. استعارات در اشعار وی بیشتر از نوع مکنیه و کنایات موجود در اشعارش نیز بیشتر از نوع فعلی و ایما است. در سطح فکری موضوعات مدح، عشق، شکوه و زهد و اندرز در اشعارش دیده میشود. مدایح او مبتنی بر دریافت صله است و غزلیاتش حول محور عشق و جوانی است.

### منابع

- آتشکده آذر (۱۳۶۲) آذریگدلی، لطفعلی خان؛ به تصحیح حسن سادات ناصری، تهران: امیرکبیر
- آوا و القا (۱۳۸۳) قویمی، مهوش؛ تهران: هرمس
- بررسی اشعار نویافته عمادی شهریار (۱۳۹۲) یاری گل دره، سهیل و طاهره چهری، متن شناسی ادب فارسی، سال پنجم، شماره ۳، صص ۱۱۱-۱۲۴
- بلاغت تصویر (۱۳۸۵) فتوحی، محمود، تهران: سخن
- پژوهشی در اشعار عمادی شهریار (۱۳۹۲)، کتاب ماه، شماره ۷۷ (پیاپی ۱۹۱) صص ۵۶-

- تاریخ ادبیات در ایران (۱۳۷۰) صفا، ذبیح‌الله، تهران: فردوس
- تاریخ نظم و نثر در ایران و در زبان فارسی (۱۳۵۸) نفیسی، سعید؛ تهران: کتابفروشی فروغی
- دیوان اشعار، (۱۳۸۱) شهریار، (عمادی) عمادالدین؛ مقدمه و تصحیح و تحقیق ذبیح‌الله حبیبی نژاد، تهران: طلایه
- راحه الصدور و آیه السرور فی تاریخ آل سلجوق (۱۳۶۳) راوندی، محمدبن علی بن سلیمان؛ به تصحیح محمد اقبال، تهران: امیرکبیر
- زیور سخن در بدیع فارسی (۱۳۸۸) صادقیان، محمدعلی؛ یزد، دانشگاه یزد
- سبک‌شناسی شعر فارسی از رودکی تا شاملو (۱۳۷۷) غلامرضایی، محمد؛ تهران: جامی
- سبک‌شناسی نظریه‌ها، رویکردها و روشها، (۱۳۹۱) فتوحی، محمود؛ چاپ اول، تهران: سخن
- سخن و سخنوران (۱۳۶۹)، فروزانفر، بدیع‌الزمان، تهران: خوارزمی
- ضرورت تصحیح مجدد دیوان عمادی (با تکیه بر آسیب‌شناسی تصحیح) (۱۳۹۵) امامی، نصر‌الله؛ زهرا نصیری و مجید دادفر؛ متن‌شناسی ادب فارسی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه اصفهان، شماره ۳؛ صص ۱-۲۲
- فرهنگ توصیفی نقد و نظریه‌های ادبی (۱۳۹۰) مدرس، فاطمه، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
- لباب الالباب (۱۳۸۹) عوفی، محمد، به تصحیح ادوارد براون، با تصحیحات جدید و حواشی و تعلیقات سعید نفیسی، تهران: هرمس
- کلیات سبک‌شناسی، (۱۳۸۴) شمیسا، سیروس؛ چاپ نخست از ویرایش دوم؛ تهران: میترا
- مجمع الفصحا (۱۳۸۱) هدایت، رضا قلیخان؛ به کوشش مظاهر مصفا، تهران: امیرکبیر
- مقالات علامه قزوینی (۱۳۶۲) گردآورنده عبدالکریم جریزه‌دار، چاپ اول، ج ۳، تهران: اساطیرم
- نگاهی تازه به بدیع (۱۳۹۰) شمیسا، سیروس، ویراست ۳، تهران: میترا
- نگاهی تازه به زندگی عمادی غزنوی (به همراه معرفی منابع نویافته از اشعار او) (۱۳۹۳) وفایی، محمد افشین؛ ادب فارسی، سال ۴، شماره ۱؛ صص ۹۳-۱۱۲
- وزن و قافیه شعر فارسی (۱۳۶۹) وحیدیان کامیار، تقی؛ تهران: مرکز دانشگاهی
- هفت اقلیم (۱۳۷۸) رازی، امین احمد؛ تصحیح محمدرضا طاهری، تهران: سروش